

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

شباهنګ راد

۲۸ اپریل ۲۰۱۱

افق‌های جنبش کارگری در اوّل ماه مه!

در آستانه اوّل ماه مه قرار داریم. روز جهانی کارگر؛ روز تجمع میلیون‌ها کارگر سرتاسر جهان و روز اعتراض به بی‌عدالتی‌های موجود و بازخواهی حقوق پایمال شده. روزی که کارگران دنیا در خیابان‌ها و سالن‌ها، نظام‌های سرمایه‌داری را به نبرد فراخوانده و یک‌صدا فریاد بر می‌آورند که این دنیا، دنیای آنان نیست و به درد استثمارگران و سودجویان می‌خورد؛ فریاد بر می‌آورند که کارگر مستحق چنین زندگی نکبت‌باری نیست و باید بانیان و مسبین چنین وضعیتی به زیر کشیده شوند.

به عبارتی دیگر گردانندگان و زورمداران کنونی، دنیا را به ویرانه تبدیل نموده‌اند و در سال گذشته نه تنها از تعرض خود به سفره ناچیز کارگران و زحمت‌کشان نکاسته‌اند بلکه با شتاب هر چه بیشتری، زندگی آنانرا به مسیر ناهنجار و طاقت‌فرسائی سوق داده‌اند. در دنیای خود ساخته آنان به اثبات رسیده است که کار و تولید بی‌وقفه، از آن کارگران است و کسب سود هر چه بیشتر و زندگی بهتر، از آن کارخانه‌داران، صاحبان تولیدی و طبقه سرمایه‌داری است. تجلی چنین وضعیت و آرایشی را می‌توان در همه جوامع و در پیکار روزمره دو طبقه متضاد از هم یعنی طبقه سرمایه‌دار و حامیان بی‌چون و چرایش از یکسو و یگانه طبقه تا به آخر انقلابی یعنی کارگران و اقشار متفاوت ستمدیده از سوی دیگر مشاهده نمود. دو طبقه‌ای که دهه‌هاست در مصاف هم قرار گرفته‌اند و در این میان سرمایه به یمن دم و دستگاه‌های سرکوب‌گرش توانسته است، دنیا را به کام میلیارد‌ها انسان محروم تلخ نماید. در حقیقت کارگر در فرهنگ تعریف شده سرمایه بی‌حقوق است و صرفاً و صرفاً به انسانی سودآور تبدیل گشته است. این عمق توحشی است که دنیای انسانی شاهد آن می‌باشد و به راستی که چنین بی‌عدالتی‌هایی را می‌توان در همه جا دید؛ می‌توان به عینه مشاهده نمود و نشان داد که چگونه سرمایه‌داری جهانی به منظور چرخش بهتر دستگاه‌های سوددهی، به جان و مال کارگران و زحمت‌کشان افتاده است؟

تعرض وحشیانه و گسترده به کارگران فرانسه، انگلستان، آلمان، پرتغال، یونان و اسپانیا و خلاصه در اقصا نقاط دنیا بر این واقعیت صحه می‌گذارد که جهان کنونی، جهان به رسمیت شناختن پایه نئترین حقوق انسانی نیست؛ بر این واقعیت صحه می‌گذارد که کارگر همواره در لبه تیز و اولویت تعرض جانیان بشریت و حاکمان سرکوبگر

قرار دارد و سرمایه بدون تعرض دائمی و روزمره به کارگر، قادر به سود اندوزی هر چه بیشتر و حکومت‌داری نیست.

این یکطرف قضیه است؛ یعنی این، سیاست، آرزو، امیال و خواستیست که جهان سرمایه‌داری در پی آن است؛ ولی طرف‌دیگر آن، ملیون‌ها کارگر و زحمت‌کشی قرار گرفته‌اند که در خیابان‌ها و در میادین متفاوت تولیدی، بانیان مناسبات ناعادلانه کنونی را به مصاف می‌طلبند و با تمام وجود خواهان بر چیده شدن نظام‌های جهل و استثماراند. بروز اعتراضات گسترده در اروپا و امریکا و همچنین در کشورهای تحت سلطه‌ای همچون یمن، الجزایر، افغانستان، ایران، مصر، سوریه، کنیا و بالاخره در دیگر قاره‌ها و جوامع دنیا، حکایت از آن دارد که کارگران و محرومان از دست رژیم‌های زورگو و استثمارگر کلافه‌اند و خواهان تغییر مناسبات و روابط غیر انسانی کنونی‌اند؛ خواهان زیر و رو شدن نظام‌هایی هستند که کودک را به نیروی سود ده و کار ارزان تبدیل نموده است. متأسفانه و از سر "خیر" دولت‌مردان جهانی، کودک هم به‌مانند بزرگان به نیروی کار مبدل شده است و با بدن‌های نحیف و دستان کوچک و آن‌هم با حقوق بسیار ناچیز، چرخ‌های سوددهی کارخانه‌ها و میادین استثمار را به حرکت در می‌آورد و بر سرمایه‌های نجومی سرمایه‌داران می‌افزاید.

این تصویر حقیقی دنیای کنونی‌ست؛ تصویری‌ست که سرمایه‌داران کشیده‌اند و اصلاً و ابداً قرابتی با خواسته‌ها و آرمان‌های کارگران و ستم‌دیدگان ندارد؛ تصویری‌ست که کارگر و زحمت‌کش مخالف با آن می‌باشد. بی دلیل هم نبوده و نیست که در سال گذشته جهان [جدا از تعرض تازه سرمایه]، شاهد به پاخاستن و تعرض جدید ملیون‌ها انسان علیه سیاست‌های سودجویانه و سرکوب‌گرانه طبقة سرمایه‌دار بوده است و بار دیگر این حقایق را در مقابل مدافعان دنیای انسانی قرار داده است که کارگران و زحمت‌کشان، مدافع آن دنیایی می‌باشند که در آن نه از ظلم و ستم و اجحاف و نابرابری‌ها خبری باشد و نه از گشت و گشتار و جنگ و ویرانی زیر ساخت‌های جامعه. اعتراضات بی‌وقفه در شمال افریقا و خاورمیانه و خلاصه در دیگر پهنه جهان علیه حاکمان زورگو، نمودار و گوشه‌های هر چند کوچک از ایده‌ها و آرمان‌های طبقة کارگر و محرومانی‌ست که در سال گذشته به سر تیتیر خبرگزاری‌های تبلیغاتی امپریالیست‌ها تبدیل گردیده است؛ نمودار آن است که آرمان کارگران با چنین مناسباتی همخوانی ندارد و بر این نظراند که بساط روابط و مناسبات نابرابر باید بر چیده شود و حاکمیتی بر سر کار آید که مدافع منافع کارگران و همه محرومان باشد.

شکی در آن نیست که کارگر، مدافع چنین دنیای سالمی‌ست و مسلم است که روزی در این نبرد نابرابر، سرمایه را از جایگاه به ناحقش پس خواهد زد و پرچم جامعه و حکومتی را بر خواهد افراشت که از جان و مال ملیون‌ها انسان محروم دفاع نماید. این خواست قلبی و باطنی کارگران و زحمت‌کشان سرتاسر جهان می‌باشد و پر واضح است که زمانی این امر تحقق خواهد یافت که کارگران قادر گردند فعالیت‌های خود را در دو عرصه متفاوت یعنی در عرصه اقتصادی و سیاسی و آن‌هم در ارتباطی تنگاتنگ و ارگانیک با سازمان‌ها و احزاب کمونیستی تا سرحد کسب قدرت سیاسی به پیش ببرند. تنها با اتخاذ چنین سیاستی‌ست که طبقة کارگر قادر به پس زدن سرمایه است و باید آگاه بود که بدون گذر از چنین پروسه‌ای نمی‌توان سخنی از تحقق خواسته‌های پایه ئی استثمارشوندگان به‌میان آورد. با این تفصیل و جدا از تجلیل و گرامی‌داشت این روز تاریخی و جهانی، لازم است تا حلقه و میدان پایداری مبارزه را به درستی باز شناخت و همچنین دانست که بدون درک قانون‌مندی‌های حاکم بر جوامع خودی و بدون انتخاب روش‌های صحیح، امر انقلاب کارگری - توده ئی به پیش نخواهد رفت و رسوبات سرمایه همچنان بر شانه‌های کارگران و زحمت‌کشان سنگینی خواهد کرد.

مسلم است که در این میان هم زمانی می‌توان ماشین تعرض، استثمار و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی را به‌مانند همه رژیم‌های وابسته به سرمایه از کار خواهد انداخت که مدافعان بی چون چرای طبقه کارگر و ستم‌دیدگان در حرکتی سازمان‌یافته، نهادها و ارگان‌های متفاوت مدافع سرمایه را مورد خطاب قرار دهند و طبقه کارگر را حول شعارها و سیاست‌های نوین و تعرضی، سازمان دهند. در حقیقت رژیم جمهوری اسلامی به‌مانند همه نظام‌های استثمارگر علناً حقوق کارگران را بالا می‌کشد و به‌عنوان مثال بیست و نه ماه است که کارگران شرکت ریسندگی کاشان هیچ حقوقی را دریافت نکرده‌اند و سی سالی است که صاحبان تولیدی و کارفرمایان کارگران را مورد تعرض و استثمار وحشیانه خود قرار می‌دهند. به تبع از آن فقر و فاصله طبقاتی در ایران به بالاترین حد ممکن خود رسیده است و سرمداران رژیم جمهوری اسلامی هم در چهارچوبه سیاست‌های جهانی سرمایه، بر یورش خود افزوده‌اند و هزاران کارگر را از کار اخراج و همچنین از باز پرداخت حقوق معوق آنان سر باز می‌زنند. این نظام حاضر به پرداخت حقوق ناچیز کارگران نیست و همه این‌ها در شرایطی است که اقلام و اجناس پایه‌ی زندگی روز به روز و به طور سرسام‌آوری افزایش می‌یابد.

خودشان اعلام نموده‌اند که خط فقر در ایران یک ملیون تومان است و در همان حال دست‌مزد کارگران را سیصد و سی هزار تومان اعلام نموده‌اند. معین است که با چنین درآمدی نمی‌توان زندگی بخور و نمیری را سازمان داد و معین است که این حقوق ناچیز کفاف تهیه‌ی مایحتاج اولی و پایه‌ی زندگی ملیون‌ها کارگر و زحمت‌کش را نمی‌دهد. علاوه بر آن سرمداران رژیم جمهوری اسلامی حق اعتراض را از کارگران سلب نموده‌اند و پائین‌ترین مخالفت‌ها در زیر چنین نظام سرکوبگری، مترادف با دستگیری، شکنجه، تهدید و ارباب می‌باشد؛ در درون کارخانه‌ها و میادین استثمار هم، نهادها و ارگان‌های وابسته به خود را به کارگران تحمیل نموده‌اند؛ ارگان‌ها و نهادهایی که کاملاً در خدمت به خواسته‌ها و منفعت کارخانه‌داران و سرمایه‌داران‌اند. کارگر در سه دهه اخیر و در زیر سایه رژیم جمهوری اسلامی به تجربه دریافت کرده است که نهادها و ارگان‌های علم شده در درون کارخانه‌ها، حامی نظام و طبقه سرمایه‌داری است و لحظه‌ای جانب کارگران و زحمت‌کشان را نخواهند گرفت. همچنین به اثبات رسیده است که هیچ‌یک از مدافعان نظام - علی‌رغم مخالفت‌شان با دولت‌مردان کنونی -، در صف محرومان نیستند و به طبقه سرمایه‌دار و به بالائی‌ها وصل‌اند؛ چرا که منفعت‌شان با پایداری نظام سرمایه‌داری گره خورده است و همه تلاش‌شان حفظ و چرخش بهتر حکومت وابسته به سرمایه‌های جهانی است.

بنابر این اول ماه مه امسال می‌تواند فرصتی باشد تا یکبار دیگر، بر کارنامه و عملکرد واحد جناح‌های متفاوت رژیم جمهوری اسلامی تأکید شده و نشان داد که تفاوت آرمان و منفعت کارگران و زحمت‌کشان با آرمان و منفعت حامیان سرمایه از زمین تا آسمان است. باید عملاً نشان داده شود که منفعت لمیدگان درون جنبش‌های اعتراضی اقلاً نقاط دنیا و به ویژه در درون جنبش‌های اعتراضی ایران، با منفعت کارگران و زحمت‌کشان و همه محرومان و ستم‌دیدگان کاری نیست و دانست که پیشرفت انقلاب ایران، منوط به افشاء و طرد عناصر خودفروخته و رنگ‌های ابداعی سرمایه در درون خیزش‌های مردمی از یکسو و تحرک سازمان‌یافته نیروهای کمونیستی علیه ارگان‌های بقای سلطه سرمایه‌های امپریالیستی از سوی دیگر می‌باشد. به بیانی دیگر تجربه جنبش‌های اعتراضی یکی دو ساله اخیر ایران و به ویژه در شمال آفریقا نشان داده است که جنبش‌های اعتراضی کارگری - توده‌ی بدون داشتن سر سالم و بدون هدایت کمونیستی ره به جایی نخواهند بُرد. کاملاً آشکار گردیده است که سلامتی خیزش‌های مردمی با دخالت‌گری‌های مستقیم سازمان‌های کمونیستی با برنامه و عمل‌گرا گره خورده است و باید دانست که هیچ انقلابی بدون حمل آرمان کمونیستی به سر منزل مقصود نخواهد رسید.

خلاصه این که دشمنان کارگران و زحمتکشان بسیار هوشیاراند و با تمام قوا در صدد تخطئه اعتراضات مردمی‌اند. همه تلاش‌شان بر آن است تا اعتراضات کارگری – توده‌ی مسیر صحیح خود را باز نیابد و پایه‌های سلطه منحوس‌شان را با مشکلات مواجه نسازد. با این حساب دقت و ختنی سازی سیاست‌های فریب‌کارانه سرمایه‌داران از زمره اولویت‌های فعالیتی کمونیست مدافع منافع کارگران و زحمتکشان را تشکیل خواهد داد و مهم‌تر از همه این‌ها، این تجربه مثبت و کارساز در مقابل‌مان قرار دارد که هر انقلابی نیازمند پا در میانی و به‌عبارتی صحیح‌تر به دخالت‌گری‌های نیروهای کمونیستی و آن‌هم در میادین طبقاتی مربوط می‌باشد. شکی در آن نیست که تخطی در انجام چنین وظایف خطیری، پیشرفت انقلاب را به مخاطره و به عقب خواهد انداخت و سرمایه‌همچنان بر استثمار و جنایات خود علیه کارگران و زحمتکشان ادامه خواهد داد.

۲۷ اپریل ۲۰۱۱

۷ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۰